

چالش‌های پیش‌روی فیلم‌های دینی در سینمای ایران: مطالعه موردی فیلم سینمایی "رستاخیز"

مصیب سروستان*

محمود کریمی علوی**، سیده‌زهرا اجاق***

چکیده

سینمای دینی پس از انقلاب اسلامی در ایران، علیرغم ادعای نظام فرهنگی کشور در حمایت از این‌گونه سینمایی، همواره با چالش‌های جدی روبرو بوده است. فیلم سینمایی رستاخیز، یکی از چندین فیلم دینی در ایران است که با وجود اخذ مجوزهای لازم برای اکران عمومی از مقامات سینمایی کشور، بر اثر اختلافات و حواشی به وجود آمده پیرامون آن توقیف شد و همچنان (تا زمان انتشار این مقاله)، سرنوشت نامعلومی دارد. مسئله محوری در این تحقیق، مواجهه با یک پدیده متناقض نما در ژانر دینی سینمای پس از انقلاب است. از یک طرف، سینماگران به تولید فیلم‌های دینی تشویق می‌شوند و از طرف دیگر، وجود ناهماهنگیها و موانع مدیریتی و ساختاری موجب هدر رفت وقت، انرژی، بودجه سازندگان فیلم‌های دینی و منابع کشور می‌شود. این تحقیق در نظر دارد، با استفاده از نظریه کنش ارتباطی هابرماس و روش تحلیل محتوای کیفی، چالش‌های پیش‌روی فیلم‌های دینی را با مطالعه موردی فیلم رستاخیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، دین و رسانه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
mo.sarvestan@gmail.com

** استادیار، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
mkalavi@hotmail.com

*** استادیار، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
zahraojagh1979@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲

برای این منظور، سه گروه مؤثر و دخیل در سرنوشت این فیلم، یعنی؛ فقها، مسئولین فرهنگی/هنری و سازندگان فیلم شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند. در فرایند تحلیل، اظهارات هر گروه کدگذاری، مقوله‌بندی و پس‌از آن مضامین حاصل از مقوله‌ها مورد شناسایی قرار گرفته و در پایان، یافته‌های تحقیق براساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس، جمع‌آوری و جمع‌بندی شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از فقدان ارتباط و گفتگوی مؤثر میان گروه‌های دخیل در سرنوشت فیلم رستاخیز بوده، و نیز نشان می‌دهند که اظهارات این کنشگران از کنش راهبردی پیروی می‌کنند. در نتیجه، به علت فقدان عقلانیت ارتباطی در اظهارات و تعاملات میان سه گروه کنشگر، تفاهمی بر سر نمایش فیلم رستاخیز به وجود نیامده است.

کلیدواژه‌ها: فیلم رستاخیز، نظریه کنش ارتباطی، مسئولین، فقها، سازندگان فیلم رستاخیز

۱. مقدمه

فیلم‌های دینی یا طرح مفاهیم و مضامین دینی در فیلم همواره حساسیت برانگیز بوده‌اند. این یعنی، هرگاه فیلمی با مضامین دینی در کشور ساخته می‌شود، واکنش‌هایی را از طرف گروه‌های اجتماعی مختلف در پی دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به سرنوشت اکران فیلم سینمایی رستاخیز^۱ اشاره کرد. فیلمی که با داشتن تمامی مجوزهای قانونی راهی پرده اکران می‌شود، اما اکران آن بیشتر از یک روزه طول نمی‌انجامد. در این تحقیق برآنیم تا با مطالعه موردی این فیلم، به‌نوعی، چالش‌های پیش روی فیلم‌های دینی در سینمای ایران را شناسایی و دسته‌بندی کنیم. با کمی دقت، کنشگران اصلی، یعنی عوامل و گروه‌های دخیل در سرنوشت فیلم‌های دینی، از جمله فیلم سینمایی رستاخیز، را می‌توان در سه جایگاه سیاست‌گذاری، فقهی و هنری تقسیم‌بندی کرد که مدیران سینمایی، روحانیت و فیلم‌سازان، به ترتیب، این جایگاه‌ها را نمایندگی می‌کنند.

۲. سیاست‌گذاری سینمایی

سیاست‌گذاری در حوزه سینما، یکی از زیرشاخه‌های مهم در سیاست‌گذاری فرهنگی است. سیاست‌های فرهنگی و سینمایی یک نظام سیاسی معمولاً به دو گروه سلبی و ایجابی قابل طبقه‌بندی هستند. سیاست‌های سلبی آن‌هایی هستند که نوع خاصی از فیلم یا موضوعات ویژه و یا تصاویر معینی را نفی می‌کنند و برای جلوگیری از ظهور آن‌ها در

عرصه‌ی هنر در قالب قانون و مقررات اجتماعی عرضه می‌شوند. سیاست‌های سلبی می‌توانند باعث حذف برخی از اشکال هنری از عرصه‌ی اجتماع شوند و از طرف دیگر راه را برای گسترش هر چه بیشتر برخی دیگر بگشایند. از همین جنبه است که سیاست‌های ایجابی مطرح می‌شوند. در سیاست‌های ایجابی عملاً برخی از انواع فیلم، موضوعات خاص و حتی تصاویر معینی تشویق و ترویج می‌شوند و فیلم‌های مقبول از جهات مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند. همین مسئله باعث می‌شود که در ساختار هنری یک جامعه و به‌خصوص در فیلم و سینما وزن برخی از موضوعات و مضامین بسیار سنگین‌تر از برخی دیگر باشند؛ برخی سبک‌ها مجال ظهور پیدا نکنند و یا برخی در عرصه‌ی سینما یکه‌تازی کنند. بنابراین شیوع و غلبه‌ی سبک خاصی در فیلم‌سازی و رواج موضوعات و مضامین خاص همه و همه متأثر از سیاست‌های کلان فرهنگی جامعه است (راو دراد ۱۳۹۳)، سیاست‌هایی که به اولویت‌ها و اصول و فروع یک حرکت فرهنگی رسمیت می‌بخشد.

اما یکی از مسائل مهمی که در رابطه با سیاست‌گذاری فیلم و سینما وجود دارد؛ مبحث دین به‌طور عام و فقه به‌طور خاص است که می‌توان گفت سیاست‌گذاری در خصوص فیلم‌های دینی در سینما تا حدود زیادی متأثر از آن است. به این منظور در ادامه به تشریح و تبیین رابطه میان سینما و دین و سینما و فقه می‌پردازیم.

۳. سینما و فقه

غالباً در تلاقی آغازین دین و سینما، به نقطه چالشی که میان فقه و سینماست تأکید می‌شود. ناگفته پیداست که سینما به‌عنوان یک پدیده مدرن همچنانکه با فقه در ارتباط است، با دیگر حوزه‌های معرفتی اسلام نیز در ارتباط است. اما از آنجاکه نوک پیکان برخورد، از آغاز توسط فقیهان متوجه سینما شده است، به‌طور مرسوم در مقام تبیین نسبت دین و رسانه، به کاربری فقه در سینما نیز پرداخته می‌شود.

بی‌شک اجرای دستورات الهی در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی، آرزوی تمام معتقدان به ادیان الهی است و آنان که دین را عهده‌دار اداره بشر در همه امور زندگی حتی در شئون اجتماعی و سیاسی می‌دانند باید در پی نشان دادن مجاری احکام در موضع عمل باشند.

کشف احکام الهی، از سویی نیازمند آشنایی کامل با منابع و توانایی استخراج احکام از آن منابع و از سوی دیگر شناخت کامل موضوعات مورد ابطلاع است. استخراج مسائل فقهی، برای کاربرد در رسانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا بیانگر موضع اجتماعی فقاقت دینی است و سهل‌انگاری در آن، موجب بی‌رنگ شدن شریعت در فضای اجتماعی و زمینه‌ساز ترویج تفکر جدایی دین از سایر نهادهای جامعه می‌شود.

وضعیت کنونی دخالت فقه در برنامه‌سازیرسانه‌ها بدین گونه است که یا استفتائاتی برحسب نیاز رسانه به فقه ارائه می‌شود و یا برنامه‌های ارائه‌شده توسط رسانه‌ها به صورت جزئی مورد ارزیابی شخص فقیه قرار می‌گیرد و فقیه برحسب مورد، در قالب بیان حکم کلی مسئله یا همراه با تعیین مصداق، راهنمایی‌های لازم را انجام می‌دهد. برای مثال می‌گوید؛ آهنگ پخش شده در این برنامه مطرب و حرام است، در برنامه‌های طنز نباید شخصیت افراد بدون علت خدشه‌دار شود، صحنه‌های این سریال مروج فرهنگ ابتذال است و یا لازم است حساسیت عمومی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی را در فیلم‌ها و سریال‌ها به نحوی تحریک کرد (شالچیان و عباسی ۱۳۸۲).

عمده اشکالات فقهی متوجه سینما را می‌توان در سه قلمرو گردآوری کرد:

۱. ساخت فیلم

۲. ارائه و پخش فیلم

۳. دیدن و تماشای فیلم (ناصری ۱۳۷۶).

۴. دین در قاب تصویر؛ پیشینه فیلم‌سازی دینی

پیوند هنر فیلم‌سازی و دین تقریباً سابقه‌ای به قدمت اختراع سینما دارد. لومیرها نخستین سازندگان فیلم دینی هستند؛ آن‌ها در سال ۱۸۹۷ فیلمی ۱۳ پرده‌ای به نام زندگی و مصائب مسیح ساختند که ۱۵ دقیقه طول می‌کشید. در این فیلم مراحل مختلف زندگی مسیح از تولد تا وصلوب شدن روایت شده است (ضابطی جهرمی ۱۳۹۳).

در تاریخ سینمای غرب مجموعه‌ای از فیلم‌های مشهور و ماندگار سینمایی هستند که نه تنها به موضوعات دینی پرداخته‌اند، بلکه اساساً نگاهی دینی و مذهبی دارند و این ویژگی در آن‌ها به قدر پیررنگ است که حتی می‌توان گفت به قصد تبلیغ و ترویج دین یا دست‌کم تعریف و تمجید از آموزه‌های دینی ساخته شده‌اند و در عین حال واجد حد بالایی از

ارزش‌های هنری و سینمایی هستند که از جمله آن‌ها به محمد رسول‌الله یا الرساله (مصطفی عقاد ۱۹۷۶)، مصائب مسیح (مل گیسون ۲۰۰۴)، ده فرمان (سسیل ب دومیل ۱۹۵۶) و در تاریخ سینمای ایران فیلم‌های سینمایی روز واقعه (شهرام اسدی ۱۳۷۳)، محمد رسول‌الله (مجید مجیدی ۱۳۹۰)، مریم مقدس (شهریار بحرانی ۱۳۷۹) و ملک سلیمان (شهریار بحرانی ۱۳۸۹) می‌توان اشاره کرد.

اما از آغاز پیدایش سینما رابطه دین و سینما همواره مناقشه آمیز و جنجال‌انگیز بوده است. بسیاری از رهبران مذهبی از دیرباز بر این اعتقاد بوده اند که فیلم‌های سینمایی (یا به‌طور کل رسانه‌های گروهی) تصویری نادرست از مذهب و معنویت ارائه می‌دهند. از این منظر، در بهترین شرایط، بسیاری از فیلم‌های برجسته و عامه‌پسند، جنبه معنوی و روحانی زندگی بشری را نادیده می‌گیرند و در بدترین شرایط، موضوعات و محتوای فیلم‌ها، تضادی آشکار با ارزش‌های مذهبی دارند. باین‌حال، دلایل زیادی برای عدم حضور جدی مذهب به‌ویژه مذاهب رسمی در انواع فیلم‌های سینمایی وجود دارد، اما برخی فیلم‌ها نیز به شیوه‌های گوناگون به بازنمایی واقع‌گرایانه موضوعات مذهبیاز جمله موضوعات فلسفی، الهیات، تاریخچه زندگی بزرگان و رهبران دینی و افراد مذهبی دست‌زده‌اند که از شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به فیلم‌های ده فرمان، محمد رسول‌ا... و مصائب مسیح اشاره کرد که به‌طور مستقیم به موضوعات مذهبی در حوزه سه دین فراگیر جهانی یعنی یهودیت، اسلام و مسیحیت پرداخته‌اند. هرچند در تاریخ سینما، فیلم‌های زیادی در خصوص مذهب و تجربه مذهبی ساخته شده است، نوع روایت و بازنمایی تجربه مذهبی، مهم‌ترین عامل در پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها از طرف رهبران دینی و پیروان مذاهب بوده است (غندالی و میرزین العابدین، ۱۳۸۲).

۵. مطالعه موردی تحقیق؛ فیلم سینمایی "رستاخیز"

فیلم سینمایی «رستاخیز» یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های سینمایی کشور به کارگردانی احمدرضا درویش است که به واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) می‌پردازد. این فیلم تاریخی - مذهبی از مقطع تاریخی مرگ معاویه تا شهادت امام حسین (ع) در روز عاشورا را روایت می‌کند و با دوبله عربی بانام «القربان» و نسخه انگلیسی با عنوان " حسین ، آنکه گفت نه "Hussein Who Said No" شناخته می‌شود. (سلام سینما ۱۳۹۶/۱۰/۷).

این فیلم برای اولین بار در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۲ به نمایش درآمد و ۹ سیمرغ بلورین برای بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلم‌پردازی (جشنواره بین‌الملل)، بهترین موسیقی، بهترین بازیگر مکمل مرد، بهترین طراحی صحنه و لباس، بهترین چهره‌پردازی و بهترین جلوه‌های ویژه میدانی را از آن خود کرد.

نمایش این فیلم در سی و دومین جشنواره فیلم فجر با واکنش‌هایی همراه شد. سرانجام پس از حواشی بسیار قرار شد این فیلم پس از انجام اصلاحاتی در عید سعید فطر به‌اکران درآید. اما در اولین روز اکران (۲۴ تیر ۱۳۹۴)، وزارت ارشاد با اعلام بیانیه‌ای نمایش این فیلم را به خاطر آنچه "رعایت جایگاه و شأن مراجع عظام تقلید و عالمان شاخص دینی" عنوان کرد، به تعویق انداخت.

۶. خلاصه داستان فیلم

پس از مرگ معاویه، یزید به‌عنوان خلیفه مسلمین بر خلافت تکیه می‌زند و به والی مدینه نامه می‌نویسد که از حسین (ع) بیعت بگیرد. بکیر ابن حر که به‌عنوان پیک ویژه‌ی دربار دمشق انتخاب شده است، مأمور رساندن نامه یزید به مدینه می‌شود. او که جوانی پرشور و در جستجوی حقیقت است، در مدینه درمی‌یابد که حامل نامه ایست که در آن به قتل حسین (ع) فرمان داده شده است.

بکیر در مکه با افکار و اندیشه‌های امام حسین (ع) آشنا می‌شود. مردم کوفه با ارسال نامه‌هایی شمار، حسین (ع) را به کوفه دعوت کرده‌اند تا در قیام علیه یزید، آن‌ها را یاری کنند.

حر ابن یزید ریاحی، به همراه بکیر و دوهزار سوار از سوی عبیدالله، مأمور می‌شوند به سمت کاروان حسین (ع) که به سمت کوفه در حرکت هستند بروند. کاروان کم شمار امام (ع)، در کربلا به محاصره هزاران نفر از سپاهیان دستگاه خلافت درمی‌آید. در روز عاشورا، نور حقیقت بر چشمان بکیر می‌تابد و.... (سایت فیلم رستاخیز، ۱۳۹۶/۷/۱۰).

۷. بیان مسئله

فیلم سینمایی رستاخیز، با وجود داشتن مجوزهای لازم از سوی نهادهای رسمی برای ساخت و نمایش، در تیرماه سال ۱۳۹۴ با «مجوز رسمی» روانه پرده سینما شد، اما، در پی

مخالفت‌ها و اعتراضاتی که از سوی چند تن از مراجع دینی شکل گرفت، طی کمتر از یک روز با «اطلاعیه رسمی» از پرده پایین کشیده شد و پس از گذشت حدود ۴ سال (تا زمان انتشار این مقاله) همچنان سرنوشت نامعلومی دارد. سابقه فیلم‌های دیگری از این دست نشان می‌دهد که این مسئله به فیلم رستاخیز منحصر نمی‌شود. در کشور ما هرگاه فیلمی با مضامین دینی ساخته شده، واکنش‌هایی را از طرف گروه‌های اجتماعی مختلف برانگیخته است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به سریال مختارنامه، ساخته داوود میرباقری و فیلم -سریال "نارالله" به کارگردانی شهریار بحرانی، اشاره کرد. این تحقیق به دنبال ریشه‌یابی علل و عواملی است که فیلم‌های دینی، و به‌طور مشخص فیلم سینمایی رستاخیز، را با چالش روبرو کرده‌اند.

تحلیل‌های مختلفی برای تشخیص چرایی این رخداد ارائه شده است:

الف) چالشی فقهی: یکی از تحلیل‌های ناظر به دلایل توقف نمایش فیلم، چالش فقهی است. در این زمینه حجت‌الاسلام سید طه مرقاتی عضو هیأت انتخاب سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر می‌گوید که "اختلاف نظر در مورد فیلم رستاخیز یک اختلاف فقهی است" (سایت سروش سینما ۱۳۹۶/۲/۱۵).

ب) عدم رفتار حرفه‌ای مسئولان فرهنگی: تحلیل دوم حاکی از فقدان یک رویکرد هماهنگ و مبتنی بر روابط سازنده در میان مسئولان و مدیران ذیربط است. به‌عنوان مثال، قاضی‌زاده هاشمی نماینده مردم فریمان در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه انتظار می‌رفت مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی حرفه‌ای‌تر عمل می‌کردند، می‌گوید:

مشکلات این فیلم را ناشی از روند برخورد مسئولان مربوطه با عوامل و صاحبان اثر می‌دانم و معتقدم راه درستی در مسیر مذاکرات طی نشده و همین مسئله گره خوردن مشکلات را به دنبال داشته چراکه مشکل "رستاخیز" آن‌قدر عمیق نبود که بخواهد یک سال و نیم طول بکشد. (سایت تابناک ۱۳۹۶/۱/۲۴).

ج) عدم تطابق فیلم با معیارهای سینمایی: برخی هم اشتباهات سازندگان فیلم را علت شکل‌گیری و همچنین لاینحل ماندن این چالش سینمایی می‌دانند؛ در میان صاحبان این دیدگاه؛ «علی جنتی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید

همانند فیلم‌های دیگر این فیلم هم نیازمند یک سری اصلاحات بود که این تذکر را به عوامل فیلم دادیم، که متأسفانه ترتیب اثر داده نشد. باوجوداینکه فیلم "رستاخیز" از نظر

حوزه علمیه ۲۵ اشکال دارد، ما فقط یک اشکال را مورد توجه قرار دادیم و آن هم نشان دادن چهره حضرت ابوالفضل (ع) است که خواستیم آن را به صورت نورانی نشان دهند، اما عوامل فیلم حاضر نیستند این کار را انجام دهند و شکایت کرده و ادعای خسارت کرده‌اند. (سایت صاحب‌خبر ۱۳۹۶/۲/۱۰).

به استناد سوابق سیاست‌های مبهم و ناهمگون مرتبط با ژانر دینی در سینمای ایران، می‌توان ادعا کرد که پرداختن به مفاهیم و مضامین دینی در سینمای پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تناقضی آشکار مواجه بوده: از یک‌سو) سینماگران به تولید فیلم‌های دینی تشویق و توصیه شده‌اند و از سوی دیگر) همواره موانع و محدودیت‌های فنی، سیاست‌گذاری و فقهی گریبانگیر آنان بوده است. اجمالاً می‌توان گفت تعدد مراکز تصمیم‌گیری و فقدان هماهنگی میان عوامل تأثیرگذار در رابطه با فیلم‌های دینی، تولید این‌گونه فیلم‌ها را با چالش روبرو کرده است. در این زمینه، به‌طور کلی، می‌توان سه عامل هنری، فقهی و سیاست‌گذاری را در ساخت و نمایش فیلم‌های دینی و به‌طور خاص فیلم سینمایی رستاخیز" دخیل دانست.

مرور مباحث شکل‌گرفته پیرامون عدم پخش فیلم رستاخیز" نشان می‌دهد که مسائل و مشکلات پیرامون آن، از "فقدان تفاهم" ناشی شده است. بدین ترتیب، مسئله اصلی نبود ارتباط و گفتگوی مؤثر میان عوامل و گروه‌های مؤثر در تولید و نمایش فیلم‌های دینی است. نتیجه فقدان تفاهم، سلب مسئولیت و شانه خالی کردن گروه‌های مسئول، و ناتوانی در حل مسئله اصلی یعنی پخش فیلم می‌شود که هزینه فردی و ملی زیادی صرف آن شده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر به مسئله فقدان ارتباط و گفتگوی مؤثر میان سه گروه دخیل یعنی سینماگران، فقها و سیاست‌گذاران فرهنگی/سینمایی کشور می‌پردازد که موجب پدیدار شدن مشکل در طول ساخت و نمایش فیلم رستاخیز شده است. در این میان، از آنجاکه تصمیم‌گیر اصلی برای ارائه مجوز تولید و نمایش فیلم بر عهده حوزه مدیریتی/سیاست‌گذاری است و به لحاظ ساختاری و سازمانی رابط و میانجی میان دو گروه دیگر است، بر نقش مدیریتی و سیاست‌گذاری مسئولین فرهنگی / سینمایی تأکید می‌شود.

بنابراین، پرسش اصلی تحقیق این است که "موانع شکل‌گیری ارتباط و گفتگوی مؤثر میان گروه‌های تأثیرگذار بر تولید و نمایش فیلم‌های مذهبی با تأکید بر فیلم رستاخیز چه هستند؟" محقق، در این پژوهش بدنبال شناسایی دلایل و چرایی عدم شکل‌گیری

تفاهم لازم میان عوامل دخیل در سرنوشت فیلم رستاخیز است و، در این مسیر، با بررسی موانع و محدودیت‌های نیل به تفاهم بر سر اکران فیلم رستاخیز^{۱۱} تلاش می‌کند پیشنهاداتی در جهت برطرف شدن مشکلات فیلم‌های دینی ارائه کند. پژوهش حاضر، صرفاً، یک بحث نظری نیست، بلکه، معطوف به واقعیت‌های عینی جامعه در حوزه فرهنگ است.

۸. مبانی نظری تحقیق

۱.۸ نظریه کنش ارتباطی هابرماس

مقصود هابرماس از «کنش» چیست؟ او در این باره معتقد است که «من اصطلاح کنش را تنها برای آن دسته از بازنمودهای نمادی به کار خواهم برد که کنشگر به واسطه آن‌ها رابطه‌ای با دست‌کم یکی از سه جهان عینی، اجتماعی و ذهنی (درحالی‌که همیشه جهان عینی جزئی آن است) برقرار می‌کند» (محمدی، باقری نوع‌پرست و زیباکلام، ۱۳۹۳).

هر اظهاری، حتی اگر بی‌طرفانه‌ترین و خنثی‌ترین اظهارات گزارشی باشد و در ظاهر کاملاً ناظر به واقعیت بنماید، در ذیل یک کنش قرار می‌گیرد و با آن ارتباطی میان اشخاص برقرار می‌شود (صبوری، ۱۳۷۳).

هابرماس کنش اجتماعی را به دو کنش ارتباطی و کنش راهبردی تقسیم می‌کند (عبدالهیان و اجاق، ۱۳۸۵). در اولی کنشگران در تلاش برای درک متقابل یکدیگر هستند ولی درکنش راهبردی، کنشگران قصد دارند امتیازی را به دست آورند بدون اینکه دیگران از قصد آنان مطلع باشند. در این شکل از ارتباط کنشگر قصد دارد بر روی کنش‌های دیگری نفوذ داشته باشد.

کنش راهبردی دارای اصول و هنجارهای اجتماعی است که افراد و اجتماع را به اهداف از پیش تعیین شده سوق می‌دهد. در این کنش این هنجارهای اجتماعی‌اند که به افراد دستور می‌دهند چه انجام دهند. افراد اسیر ساختارها هستند و از خود استدلال و اراده‌ای ندارند جواب‌ها در برابر گفتمان‌ها و کنش‌ها از قبل آماده شده است و کنش افراد در چارچوب الگوهای پیش‌ساخته صورت می‌گیرد. افراد دیگر خود به دنبال انتخاب روشی مناسب برای رسیدن به اهداف نمی‌روند و قوانین، قواعد و هنجارهای نهادینه شده افراد را تحت سیطره خود قرار می‌دهند (علیخواه، ۱۳۷۸).

هابرماس معتقد است که قرار گرفتن افراد در چارچوب‌های خشن حزبی نیز کنش آن‌ها را به سوی کنش راهبردی یعنی پذیرش جواب‌های از قبل آماده برای هر پرسشی سوق می‌دهد (همان، ص ۱۱).

کنش ارتباطی یکی از شناخته‌شده‌ترین ایده‌های هابرماس است که در آن کنشگران برای رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با همدیگر ارتباط متقابل برقرار می‌کنند. در واقع هابرماس از طریق این نظریه می‌کوشد تا ثابت نماید که منازعات اجتماعی به طور ایدآل می‌بایست بدون قهر و خشونت حل و فصل گردد و برای رسیدن به این منظور، بایستی نظامی اجتماعی تحقق یابد که در آن تصمیمات و به اجرا درآوردن آن‌ها، از طریق استدلالی صورت گیرد (هابرماس ۱۹۸۱).

به عبارتی دقیق‌تر هابرماس می‌گوید که کنش ارتباطی، نوعی کنش ارتباطی معطوف به حصول تفاهم است. بر مبنای این نظریه، کنشگران برای رسیدن به درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (مهدوی و مبارکی ۱۳۸۵). هابرماس می‌گوید تصور من از کنش ارتباطی نوع خاصی از واکنش اجتماعی است که کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند و اساساً تلاش برای میل به توافق و استفاده طبیعی ما از زبان متکی است.

کنش ارتباطی به معنای تعامل روزمره آدمیان است. یعنی تعاملی که مبتنی بر پذیرش غیر انتقادی هنجارها و کردارهای اجتماعی و نظام‌های انتقادی روزمره است؛ اما بخش اصلی کنش ارتباطی را، گفتمان تشکیل می‌دهد و گفتمان عبارت است از استدلال آگاهانه و طرح دعوی در مورد اعتبار گفته‌هاست. اگر زمانی فرارسد که وفاق خدشه‌دار شود و کنش‌گران اجتماعی در متن زندگی روزمره در مورد دعوی‌های اعتبار مربوط به عقاید و ارزش‌ها اختلاف نظر پیدا کنند و این امر به معضلی تبدیل شود، می‌توان با توسل به گفتمان، در مورد اعتبار آن‌ها وارد جریان بحث و گفتگو و استدلال شد.

بنابراین در این تحقیق دو نوع کنش را از هم متمایز می‌کنیم:

۱.۱.۸ کنش راهبردی

مربوط به عمل دو یا چند فرد است که در تعقیب یک هدف، کنش‌های خود را هماهنگ می‌کنند این کنش به تعقیب حساب‌شده منفعت شخصی (گروهی-سازمانی)

مربوط می‌شود. هابرماس آن را کنش ابزاری نیز می‌نامد؛ به این دلیل که بر روی ابزارهای دستیابی به هدف متمرکز می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۷۵).

۲.۱.۸ کنش ارتباطی

کنش‌های افراد درگیر، نه از طریق حسابگری‌های خودخواهانه «موفقیت» بلکه از طریق کنش‌های «تفاهم‌آمیز» هماهنگ می‌شود. افراد دخیل در کنش ارتباطی به دنبال موفقیت‌های شخصی‌شان نیستند بلکه هدفشان را در شرایطی دنبال می‌کنند که بتوانند برنامه‌هایشان را بر مبنای تعریف‌هایی از موفقیت مشترک و در ارتباط با دیگران هماهنگ سازند. هدف کنش ارتباطی؛ اجماع، شناخت همگانی و پذیرش حقایق واحد است. هدف نهایی این نوع کنش، رسیدن به نوعی تفاهم ارتباطی است. در واقع کنش ارتباطی نقطه پایانی فراگیرد تکاملی یک جامعه عقلانی است (مهدی زاده، ۱۳۷۵).

۲.۸ عقلانیت از نگاه هابرماس

عقلانیت باورها و کنش‌ها موضوعی است که معمولاً در فلسفه به آن پرداخته می‌شود. حتی می‌توان گفت که اندیشه فلسفی عموماً از تأمل درباره عقل به نحوی که در شناخت، تکلم و کنش تجسم یافته است منشأ می‌گیرد، و عقل موضوع اصلی اندیشه فلسفی می‌ماند (هابرماس، ۱۹۸۱ ص ۵۳).

هابرماس بحث نظری درباره عقلانیت ارتباطی را با یک پرسش شروع می‌کند: "وقتی می‌گویم که فلان کس در فلان موقع عاقلانه رفتار کرد یا حرف او را می‌توان عقلانی ارزیابی کرد منظور چیست؟" او مطرح می‌کند عقلانی بودن کنش کنشگر را شیوه طرح ادعای او مطرح می‌کند مثلاً اگر یک فرد با عصبانیت و برخورد تند قصد دارد توافق دیگران را جلب کند روش او غیرعاقلانه محسوب می‌شود (ابوصدرا، ۱۳۹۰).

هابرماس مهم‌ترین شروط عقلانیت را انتقادپذیری و دلیل‌پذیری می‌داند. از نظر او عقلانیت یعنی شخصی که به نحو عقلانی رفتار می‌کند، به همان ترتیب نیز مایل هست خود را در معرض نقد قرار دهد. بازنده‌های عقلانی به خاطر نقدپذیر بودن پذیرای اصلاح نیز هستند. اگر ما بتوانیم به نحو موفقیت‌آمیز اشتباهات خود را شناسایی کنیم، می‌توانیم تلاش‌های مقرون به شکست را تصحیح کنیم. بنابراین شخصی را که عقاید معتدلی را

بیان می‌دارد و به نحو کارآمد عمل می‌کند، شخصی منطقی و عاقل می‌شناسیم. کسی که به کارهای غیرعقلانی خود پی می‌برد، عقلانی و خردمند و قابل اعتماد است.

به نظر هابرماس نقطه پایانی فرآیند تکامل اجتماعی یک جامعه، همانا سلطه عقلانیت است. از این رو دیدگاه عقلانیت، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند. عقل ارتباطی عقلی است که در عادی‌ترین کردارهای روزمره انسان‌های عادی ریشه دارد. هابرماس منشأ آن را در منطق درونی روابط روزمره که از طریق زبان صورت می‌گیرد، جستجو می‌کند.

با گسترش سطح پیچیدگی عقلانیت نظام اجتماعی بر اساس مصالح کارکردی، سطح انتظارات از زبان به مراتب از استعدادهای تفاهمی آن فزونی می‌گیرد و به این ترتیب ابزارهای جدید غیر تفاهمی ارتباط مانند قدرت و پول جای ارتباط تفاهمی را می‌گیرند و روزبه‌روز دایره روابط تفاهمی را تنگ‌تر می‌کنند و به این ترتیب آن را برای مقاصد کارکردی خرد ابزاری مستعمره می‌کنند. (حاجی حیدری، ۱۳۸۳).

عقل ارتباطی تنها در جامعه‌ای که از زور و اجبار آسوده باشد امکان می‌یابد. از طریق تفاهم و ارتباط و آزاد شدن پتانسیل عقل فرآیند اصلی تاریخ جهان تشکیل می‌شود و به عقلانی شدن جهان می‌انجامد. وقتی تعبیر عقلانی را به کار می‌بریم؛ فرض ما این است که بین عقلانیت و دانش رابطه نزدیکی وجود دارد این رابطه حاکی از آن است که عقلانیت یک تعبیر متکی به اعتماد پذیر بودن دانش موجود در آن است (هابرماس ۱۳۸۱).

عقلانیت ارتباطی به معنای استفاده از قابلیت‌های عقل مثل تفکر، قضاوت و... در ارتباط با دیگران برای تفاهم در جهت رسیدن به یک اجماع مدنی در جهت‌گیری‌های اجتماعی است. بر این اساس اعضای چنین جامعه‌ای از دلایل و براهین برای متقاعد کردن یکدیگر استفاده می‌کنند (موسوی، ۱۳۷۷).

عقلانیت ارتباطی به ارتباط رها از سلطه، آزاد و باز می‌انجامد. عقلانیت در اینجا، مستلزم رهاسازی و رفع محدودیت‌های ارتباط است. هابرماس «مشروع سازی‌ها» و «ایدئولوژی» را دو عامل اصلی تحریف ارتباط می‌داند (مهدی زاده ۱۳۷۵).

اما هابرماس عقلانیت را واجد دو خصوصیت متمایز می‌شمارد که یکی منفی و دیگری مثبت است. وجه منفی عقلانیت از دست رفتن معنا و سلطه عقلانیت ابزاری است و وجه مثبت آن افسون زدایی از جهان و پیشرفت علم مدرن و پیشرفت عقلانیت ارتباطی است. عقلانیت ارتباطی به سمت رهایی از عقلانیت ابزاری حرکت می‌کند (پولادی ۱۳۸۳).

بنابراین در مقابل عقلانیت ارتباطی، عقلانیت مربوط به کنش معقول و هدف‌دار قرار می‌گیرد که بدان ابزاری یا فناورانه می‌گویند. هابرماس در رابطه با عقل ابزاری چنین بیان می‌دارد که

دستگاه مفهومی عقل ابزاری برای این درست‌شده است که به ذهن امکان دهد بر طبیعت اعمال کنترل کند درحالی‌که به یک طبیعت عینیت‌بخشی شده نمی‌گوید که برای آنچه باید کرد. درعین‌حال، عقل ابزاری «ذهنی» است. به این معنا که رابطه بین ذهن و عین را از موضع مسلط ذهن شناسنده و عمل‌کننده بیان می‌دارد نه از جایگاه عین مورد ادراک و موضع دستاموزی. (محمدی، باقری نوع‌پرست و زیباکلام، ۱۳۹۳).

بنابراین در این تحقیق، عقلانیت را می‌توان حاوی دو بعد دانست:

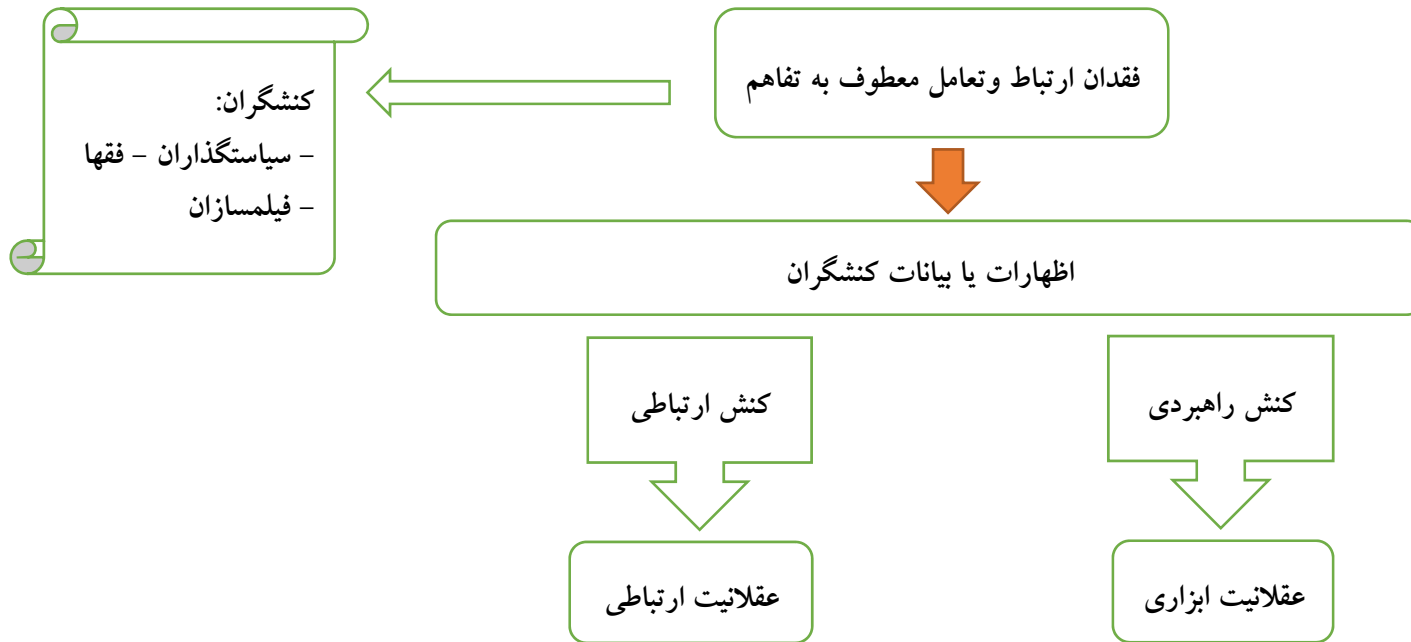
۱.۲.۸ عقلانیت ابزاری

عقلانیت مربوط به کنش معقول و هدف‌دار قرار می‌گیرد که بدان ابزاری یا فناورانه می‌گویند. عقل ابزاری به دسترسی به هدف‌های از پیش تعیین‌شده و تصرف و تسلط (بر طبیعت و دیگران) میل دارد (محمدی، باقری نوع‌پرست و زیباکلام، ۱۳۹۳).

۲.۲.۸ عقلانیت ارتباطی

به معنای از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کند، اما در معنای کلی‌تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار، آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند. در این نوع استدلال توافق غیر تحمیلی توسعه می‌یابد (پرهیزگار، ۱۳۸۳). تفاوت اصلی عقل ارتباطی و عقل ابزاری در دیدگاه هابرماس این است که عقل ارتباطی به تفاهم و توافق میل دارد، اما عقل ابزاری به دسترسی به هدف‌های از پیش تعیین‌شده میل دارد.

۳.۸ مدل نظری تحقیق



۹. روش‌شناسی پژوهش

۱.۹ تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه‌پردازی به‌جای آزمون نظریه است. با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله‌به‌مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت.

این تعاریف بیان می‌کنند که تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به‌وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی ۱۳۹۰).

۲.۹ رویکردهای تحلیل محتوای کیفی

بر اساس نظریه‌شناسی و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی، ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار، ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی.

در این تحقیق از رویکرد تحلیل محتوای عرفی/قراردادی استفاده می‌شود.

جدول ۱. اختلافات اساسی کدگذاری در سه رویکرد تحلیل محتوا (ایمان و نوشادی ۱۳۹۰)

نوع تحلیل محتوا	آغاز تحقیق	زمان تشخیص رمزها یا کلمات کلیدی	منشأ رمزها یا کلمات کلیدی
تحلیل محتوای عرفی	مشاهده	رمزها هم‌زمان با تحلیل داده‌ها معین می‌شوند.	رمزها از داده‌ها مشتق می‌شوند.
تحلیل محتوای جهت‌دار	نظریه	رمزها هم‌زمان با تحلیل داده‌ها یا قبل از آن‌ها مشخص می‌شوند.	رمزها از تئوری یا یافته‌های تحقیق مشتق می‌شوند.
تحلیل محتوای تلخیصی	کلمات کلیدی	رمزها قبل و در ضمن تحلیل داده‌ها تعریف می‌شوند.	رمزها بر اساس علاقه محقق یا ادبیات تحقیق به دست می‌آیند.

۳.۹ رویه‌های تحلیل محتوای کیفی

به‌طور کلی فرایند تحلیل محتوای کیفی از منظر روش کلی انجام آن به دو صورت استقرایی و قیاسی طبقه‌بندی می‌شود که در زیر به تشریح آن می‌پردازیم:

- الف) طبقه‌بندی استقرایی
- ب) طبقه‌بندی استنتاجی قیاسی

جدول ۲. ویژگی‌های اصلی دو رهیافت اصلی در تحلیل محتوای کیفی

انواع تحلیل محتوای کیفی	شروع تحقیق با	تعریف کدها و مقولات	منبع کدها و مقولات
تحلیل محتوای استقرایی	مشاهده	در فرایند تحلیل داده‌ها	استخراج کدها از داده‌ها
تحلیل محتوای قیاسی	نظریه	تعریف کدها پیش از تحلیل و در خلال آن	استخراج کدها از نظریه و یا یافته‌های تحقیق

در تحقیق حاضر از رهیافت اول، یعنی تحلیل محتوا استقرایی، استفاده خواهد شد چراکه استخراج کدها از داده‌ها و تعریف کدها در فرایند تحلیل داده‌ها انجام می‌شود.

۱۰. جامعه آماری و حجم نمونه

در این پژوهش جامعه آماری مورد مطالعه تمامی مطالب و اظهاراتی که از سه گروه کنشگران درگیر در چالش فیلم سینمایی "رستاخیز" یعنی؛ سیاست‌گذاران، سازندگان فیلم و فقها هستند و جامعه نمونه شامل سایت‌ها یا خبرگزاری‌هایی که به این مطالب و اظهارات پرداخته‌اند. بمنظور تحلیل محتوای مطالب و اظهارات سه گروه کنشگر پیرامون فیلم رستاخیز، مطالب و اظهارات کنشگران را به سه گروه دسته‌بندی می‌کنیم:

- ۱) مطالب و اظهارات فقها، ۲) مطالب و اظهارات سازندگان فیلم، ۳) مطالب و اظهارات سیاست‌گذاران

۱۱. روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های این تحقیق با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. در این روش، محقق از طریق جستجوی اینترنتی، مطالبی که از سه گروه فقها، سینماگران و مسئولین پیرامون فیلم

رستاخیز در فضای وب وجود دارد را، بعنوان نمونه، به صورت هدفمند انتخاب کرده و به بررسی آنها می‌پردازد.

به عبارت دقیق‌تر، جمع‌آوریداده‌ها به این صورت است که پژوهشگر با جستجو در وب‌سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سایت فیلم سینمایی رستاخیز" و پایگاه اطلاع‌رسانی دفاتر مراجع عظام تقلید و همچنین مطالب و اظهاراتی را که پیرامون فیلم رستاخیز به صورت پراکنده در اینترنت وجود دارند، با کلیدواژه‌های "چالش‌های فیلم رستاخیز، نظر فقها درباره فیلم رستاخیز، اظهارنظر مسئولین درباره فیلم و اظهارنظر سازندگان فیلم رستاخیز" به جستجو پرداخته است.

لازم به ذکر است که در انتخاب محتوا تنها مطالب و اظهاراتی گزینش شده‌اند که از سه گروه کنشگر ذکر شده، پیرامون فیلم رستاخیز بوده‌اند.

نکته قابل ذکر دیگر اقدام پژوهشگر برای انجام مصاحبه بوده است اما به دلیل عدم همکاری کنشگران درگیر در چالش فیلم رستاخیز و محدودیت زمانی، این مهم میسر نشد.

بازه‌ی زمانی مورد مطالعه از ابتدای زمستان ۱۳۹۲ تا پایان تابستان ۱۳۹۷ که پژوهشگر مشغول تحقیق در این زمینه است.

به‌طور خلاصه باید گفت در این تحقیق نظرات هرکدام از سه گروه یادشده یعنی فقها، سازندگان فیلم و مسئولان فرهنگی/هنری را دسته‌بندی و سپس بر اساس نظریه کنش ارتباطی تحلیل محتوا خواهیم کرد و در آخر مقوله‌ها و مضامینبه دست آمده را با توجه به سؤالات تحقیق از جمله این سؤال که چالش‌های پیش روی فیلم‌های دینی در سینمای ایران با تأکید بر فیلم رستاخیز" چیست؟ را نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۱.۲ یافته‌های تحقیق

۱.۱۲ یافته‌های حاصل از اظهارات فقها

جمع‌آوری اظهارات فقها پیرامون مسئله فیلم رستاخیز" از سایت‌ها و خبرگزاری‌ها در بازه زمانی اکران فیلم در جشنواره سال ۱۳۹۲ تا بهار ۱۳۹۷ انجام شد و پس از مشخص نمودن واحدهای تحلیل و کدها، کدها را براساس خصوصیات و ویژگی‌های مشترکشان در قالب مقوله‌های متفاوت دسته‌بندی کردیم تا براین اساس، به‌واسطه افزایش یافتن قدرت

تفسیر بتوانیم مقولات را در ارتباط منطقی با یکدیگر فهم نماییم و سپس مقولات را نیز در دسته‌بندی کردیم.

پس از دسته‌بندی مقولات حاصل از کدها، مضامین حاصل از این مقولات شناسایی می‌شوند. به گونه‌ای که این مقولات براساس ویژگی‌های مشترکشان ذیل مضامینی دسته‌بندی می‌شوند.

به‌طور کلی مقولات به‌دست‌آمده در بخش اظهارات فقها را می‌توان در قالب دو مضمون کلی دسته‌بندی و ارتباط منطقی آن‌ها را تفسیر نمود. این دو مضمون عبارت‌اند از: ۱. اظهارات معطوف به تفاهم، ۲. اظهارات معطوف به عدم تفاهم. در مضمون نخست، اظهارات فقها در قالب مقولاتی مانند «تمایل به حل مسئله»، «اتخاذ شیوه‌های درست تعامل»، «قابل فهم کردن مسائل»، «اظهارات مستند» و «بیان واقعیات» است که نشان‌دهنده «اظهارات معطوف به تفاهم» است. به عبارتی این مقولات نشان‌دهنده آن هستند که بخشی از اظهارات فقها در نهایت در جهت رسیدن به تفاهم بر سر چالش فیلم رستاخیز هستند. از آنجاکه برخی از فقها موافق اکران فیلم بوده‌اند و نظراتی در جهت رسیدن به تفاهم بر سر اکران فیلم رستاخیز داشته‌اند، عمده مقولات این مضمون برگرفته از نظرات همین گروه از فقهاست. بنابراین می‌توان گفت این مضمون متأثر از نظرات آنان است.

بخش دیگر اظهارات فقها «اظهارات معطوف به عدم تفاهم» است، که این مضمون در قالب مقولاتی مانند «مواضع لایتغیر»، «دستور دادن»، «تصویر نادرست از مسائل داشتن»، «تهدید دیگران»، «فضاوت ارزشی کردن»، «طرح دعاوی غیرقابل اثبات»، «شیوه‌های نادرست تعامل» و «فقدان ارتباط مستقیم» شکل می‌گیرد.

۲.۱۲ یافته‌های اظهارات مسئولین

جمع‌آوری اظهارات مسئولین پیرامون فیلم رستاخیز^{۱۲} در بازه زمانی زمستان ۱۳۹۲ تا بهار ۱۳۹۷ گویای آن است که این اظهارات در هر دوره‌ای با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف محتوای متفاوت نیز داشته‌اند. اظهارات مسئولین را می‌توان به چهار دوره زمانی؛ الف) اظهارات پیش از نمایش محدود فیلم در جشنواره ۹۲، ب) اظهارات بعد از نمایش محدود فیلم در جشنواره ۹۲، ج) اظهارات بعد از اکران عمومی و توقیف فیلم در تیرماه ۹۴، د) اظهارات بعد از شکایت سازندگان فیلم در دادگاه تقسیم کرد. در دوره نخست، اظهارات مسئولین بیشتر به معرفی، تشویق و تأیید سازندگان

فیلم رستاخیز اشاره دارند. در دوره دوم، به دلیل انتقادات و اظهارنظرهایی که از سوی منتقدین و مخالفین فیلم به‌ویژه از سوی برخی مراجع مطرح شد، اظهارات مسئولین بیشتر در رابطه با دیدارهایی است که با مراجع داشته‌اند. اما در دوره سوم، یعنی اظهارات بعد از اکران عمومی و توقیف فیلم در تیرماه ۹۴، به دلیل اعتراضات و پافشاری برخی از مراجع در مخالفت با اکران فیلم و در نتیجه توقیف فیلم، اظهارات مسئولین به سمت بهانه‌تراشی، مسئولیت‌گریزی و ... می‌رود. به عبارت کلی، می‌توان گفت اظهارات مسئولین در این دوره محافظه‌کارانه می‌شود.

در دوره چهارم، یعنی زمانی که سازندگان فیلم به شکایت از وزارت ارشاد و سازمان سینمایی در دادگاه اقدام می‌کنند اظهارات برخی مسئولین وزارت ارشاد نشان‌دهنده مخالفت با حکم دادگاه و حق‌به‌جانب دانستن خود در توقیف اکران فیلم است. البته به جزء اظهارات رئیس سازمان سینمایی «آقای ایوبی» که نشان‌دهنده دفاع ایشان از حکم دادگاه به نفع عوامل فیلم رستاخیز است که گویای وجود اختلاف‌نظر در میان مسئولین درباره حکم دادگاه است. از جمله نکاتی که در این دوره می‌توان به آن اشاره کرد اظهارات مسئولین درباره تغییر مسئله از بحث نمایش چهره به مسائل حقوقی فیلم است. به این معنی که دیگر مانع اکران فیلم رستاخیز "تنها مخالفت با نمایش چهره نیست، بلکه مسائل حقوقی از جمله درخواست جبران خسارت از سوی عوامل فیلم نیز مطرح است. نکته قابل‌ذکر دیگر استعفای مسئولین سابق و جایگزینی مسئولین جدید در وزارت ارشاد و سازمان سینمایی است. هرچند که تأثیر چندانی بر روند حل مسئله فیلم نداشته است.

پس از مقوله‌بندی کدهای مشخص شده نوبت به شناسایی مضامین می‌رسد که برای این کار مقوله‌ها را براساس ویژگی‌های مشترک شان ذیل یک مضمون قرار دادیم. مقوله‌های حاصل از اظهارات مسئولین را می‌توان در سه مضمون دسته‌بندی کرد:

مقوله‌های به دست آمده از اظهارات مسئولین که جنبه مثبت داشته و ناظر به اظهاراتی است که عموماً نشان‌دهنده تلاش، تمایل و اقدام مسئولین در برقراری ارتباط و تعامل با سازندگان فیلم رستاخیز" و همچنین با برخی مراجع تقلید به‌عنوان منتقدان و مخالفان فیلم جهت رسیدن به تفاهم برای اکران آن دانست. بنابراین می‌توان این مقوله‌ها را ذیل مضمون «اظهارات معطوف به تفاهم» قرار داد. این مقوله‌ها شامل: «قابل فهم کردن مسئله»، «استناد کردن»، «وجود ارتباط»، «اتخاذ شیوه‌های درست تعامل»، «اقدامات تعاملی»، «تمایل به حل مسئله»، «تلاش برای حل مسئله»، «میانجیگری کردن» و «بیان حقایق» است.

اما مقوله‌هایی نیز بوده‌اند که نشان‌دهنده اظهاراتی از سوی کنشگران مسئول است که به دلیل رعایت نکردن اصول کارآمدی و فقدان تعاملات درست در نهایت به عدم تفاهم می‌انجامند. این مقوله‌ها ذیل مضامین «اظهارات معطوف به عدم تفاهم» قرار داد. مقولات این مضمون شامل: «فضاوت‌های شخصی»، «فقدان آزادی عمل»، «اتخاذ شیوه‌های نادرست تعامل»، «طرح دعاوی غیر قبل اثبات»، «بی‌مسئولیتی مسئولان»، «فقدان تعامل»، «عدم شفافیت»، «دستور دادن»، «جناحی کردن مسئله فیلم»، «تناقض‌گویی» و «توجیه مشکلات فیلم» دسته بندی شده اند.

مضمون سوم «اظهارات خشتی» است. این مضمون شامل مقوله‌هایی می‌شود که نشان‌دهنده اظهارات بی طرفانه و خشتی از طرف کنشگران مسئول است. اظهاراتی که نه می‌توان آن‌ها را معطوف به تفاهم دانست و نه می‌توان آن‌ها را معطوف به عدم تفاهم دانست. مقوله‌هایی مانند «وعده دادن» را می‌توان ذیل این مضمون قرار داد.

با توجه به تعداد مقوله‌هایی که ذیل مضمون «اظهارات معطوف به تفاهم» قرار می‌گیرد و همچنین به لحاظ فراوانی آن‌ها می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که اظهارات مسئولین در جهت تعامل با دو گروه کنشگر دیگر و در نهایت رسیدن به تفاهم بر سر اکران فیلم رستاخیز بوده است. شاید، این نحوه اظهار نظر و موضع‌گیری، به دلیل نقش میانجی داشتن کنشگران مسئول در میان دو گروه کنشگر دیگر است.

۳.۱۲ یافته‌های اظهارات حاصل سازندگان فیلم «رستاخیز»

به طور کلی این اظهارات شامل نظرات کارگردان، تهیه‌کننده و برخی از بازیگران فیلم است. اما به لحاظ زمانی و محتوایی در یک دسته بندی می‌توان اظهارات سازندگان فیلم رستاخیز" را نیز همانند بخش قبل به؛ الف) پیش از نمایش فیلم در جشنواره فجر ۹۲، ب) حد فاصل بین نمایش فیلم در جشنواره تا اکران عمومی در تیرماه ۹۴، ج) توقیف فیلم در تیرماه ۹۴ تا زمان شکایت سازندگان فیلم به دادگاه و د) از زمان شکایت به دادگاه تا بهار ۹۷ تقسیم بندی کرد. به عبارتی، در این دوره‌های زمانی لحن و محتوای اظهارات سازندگان فیلم متفاوت و متمایز است. به گونه ای که در دوره اول، اظهارات غالباً پیرامون چگونگی ساخت فیلم و امید و آرزوهایی است که سازندگان برای رستاخیز" دارند خلاصه می‌شود. در دوره دوم، از آنجا که نمایش فیلم در جشنواره ۹۲ انتقادات و حواشی‌ای را پیرامون فیلم به وجود آورده بود، اظهارات بیشتر در پاسخ به این انتقادات و

درباره مسائلی مانند ویژگی‌های فیلم، دلایل نمایش چهره در فیلم و استنادات به مراجع درباره نمایش چهره بوده است. اما بعد از اکران و بلافاصله توقیف فیلم در تیرماه ۹۴، یعنی در دوره سوم، اظهارات بیشتر در انتقاد به مسئولین و استدلال‌ها و استنادات به قوانین و مجوزهای ساخت و اکران فیلم بوده است. تا اینکه کار به شکایت در دادگاه کشیده شد، یعنی در دوره چهارم که اظهارات بیشتر پیرامون مسائل حقوقی فیلم، مانند درخواست خسارت سازندگان فیلم از وزارت ارشاد و بعبارت دیگر، ایجاد یک بن بست تازه در حل مساله نمایش فیلم و در نتیجه عدم تفاهم بیشتر و عدم اکران فیلم تا امروز بوده است.

به طور کلی، مقولات به دست آمده را می‌توان در قالب چهار مضمون کلی دسته‌بندی و ارتباط منطقی آنها را تفسیر نمود. این چهار مضمون عبارتند از: ۱- اظهارات معطوف به تفاهم ۲- اظهارات معطوف به عدم تفاهم ۳- اظهارات انتقادی ۴- اظهارات خنثی. مضمون نخست، اظهارات سازندگان فیلم "رستاخیز" در قالب مقولاتی مانند «اظهار نظر تخصصی»، «قابل فهم کردن مساله»، «اتخاذ شیوه‌های درست تعامل»، «وجود ارتباط و تعامل»، «تمایل به حل مساله»، «درخواست‌ها»، «استناد به مراجع»، «استناد به مسئولین»، «استنادات رسمی و قانونی» و «بیان واقعیات» که نشان‌دهنده «رویکرد معطوف به تفاهم» است. به عبارتی این مقولات نشان‌دهنده آن هستند که بخش زیادی از اظهارات سازندگان فیلم رستاخیز" در جهت تعامل و در نتیجه رسیدن به تفاهم بر سر چالش فیلم رستاخیز است. فراوانی بالای مقولات این مضمون نیز تعیین‌کننده جهت آنها است و نشان‌دهنده حجم بالای اظهاراتی است که در جهت تعامل و رسیدن به تفاهم است.

اما مضمون دیگر حاصل از مقولات بخش اظهارات سازندگان فیلم رستاخیز" «اظهارات معطوف به عدم تفاهم» است. این مضمون شامل مقولاتی می‌شود که اشاره به اظهارنظرها، بیانات، تصمیمات و عملکردهای سازندگان فیلم رستاخیز" در جهت عدم تعامل و تفاهم است. به عبارتی این اظهارات مخدوش‌کننده ارتباط، تعامل و در نتیجه تفاهم هستند. در این مضمون اظهارات سازندگان فیلم "رستاخیز" در قالب مقولاتی مانند «ابهامات»، «اظهارات غیرقابل اثبات» و «اتخاذ شیوه‌های نادرست تعامل» است.

مضمون سوم یعنی «اظهارات انتقادی» شامل مقولاتی می‌شود که در بخشی اشاره به انتقادات سازندگان فیلم رستاخیز" از مسئولین، مخالفین فیلم، ساختارها و قوانین دارد و در بخشی دیگر انتقاد به عدم تعامل از طرف مسئولین دارد. این مضمون در قالب مقولاتی مانند «انتقادات» و «انتقاد به عدم تعامل از طرف مسئولین» است.

بنابراین تعداد مقوله ها و فراوانی آنها ذیل مضمون «اظهارات معطوف به تفاهم» نشان دهنده این نتیجه است که اظهارات سازندگان فیلم رستاخیز " در جهت تعامل و تفاهم بر سر اکران فیلم رستاخیز بوده است.

مضامین حاصل از اظهارات سه گروه کنشگر و میزان فراوانی آنها به شرح زیر است:

جدول ۳. مضامین حاصل از اظهارات فقها با فراوانی آنها

مضمون	فراوانی کد	درصد
اظهارات معطوف به تفاهم	۷۲	۵۸٪
اظهارات معطوف به عدم تفاهم	۱۰۰	۴۲٪

جدول ۴. مضامین حاصل از اظهارات مسئولین با فراوانی آنها

مضمون	فراوانی کد	درصد
اظهارات معطوف به تفاهم	۲۷۵	۵۳.۵٪
اظهارات معطوف به عدم تفاهم	۲۱۷	۴۲.۵٪
اظهارات خشی	۱۹	۴٪

جدول ۵. مضامین حاصل از اظهارات سازندگان فیلم رستاخیز با فراوانی آنها

مضمون	فراوانی کد	درصد
اظهارات معطوف به تفاهم	۲۳۱	۶۸.۵٪
اظهارات معطوف به عدم تفاهم	۲۹	۸.۶٪
اظهارات انتقادی	۴۸	۱۴.۳٪
اظهارات خشی	۲۹	۸.۶٪

فراوانی کدهای حاصل از اظهارات سه گروه کنشگر مهم است. بعضی کدها دارای فراوانی بالایی هستند و بعضی فراوانی خیلی کمی دارند. این فراوانی کدها می تواند در تحقیق نشان دهنده حجم یا به عبارتی وزن اظهارات به سمتی خاص باشد که گاهی می تواند تعیین کننده باشد.

در جمع بندی این یافته‌ها می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که به غیر از اظهارات فقها که عموماً معطوف به عدم تفاهم بوده است، اظهارات دو گروه کنشگر دیگر، غالباً، معطوف به تفاهم بوده است. اما نتیجه تحلیل این اظهارات هم نشان می‌دهد که اظهارات کنشگران در نهایت به تفاهم بر سر اکران فیلم نرسیده است. حال، پرسش اینجا است که چرا با آنکه غالب اظهارات کنشگران در جهت رسیدن به تفاهم بر سر اکران فیلم رستاخیز بوده، اما این امکان محقق نشد؟

در ادامه با توجه به این یافته‌ها و براساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس به تبیین مساله تحقیق می‌پردازیم. تلاش ما این است که نشان دهیم چرا کنش‌های این سه گروه کنشگر منجر به تفاهم بر سر اکران فیلم رستاخیز نشده است.

۱۳. نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش شناسایی چالش‌های پیش‌روی فیلم‌های دینی با تاکید بر فیلم رستاخیز بوده است. برای این منظور اظهارات کنشگران دخیل در سرنوشت این فیلم که شامل سه گروه فقها، مسئولین فرهنگی / سینمایی و سازندگان فیلم رستاخیز " هستند، جمع‌آوری و سپس براساس روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شد.

مفروض این تحقیق عبارت از فقدان ارتباط و گفتگوی موثر میان سه گروه کنشگر دخیل در سرنوشت فیلم سینمایی رستاخیز است. در واقع این فرض مبتنی بر عدم تفاهمی است که میان کنشگران بر سر اکران فیلم رستاخیز بوجود آمده است. آنچه از تحلیل اظهارات کنشگران به دست آمده نشان می‌دهد به جز در برهه‌ای خیلی کوتاه ارتباط و گفتگوی موثری میان آنها مشهود نیست.

۱.۱۳ فقدان ارتباط و گفتگوی موثر

با تحلیل اظهارات کنشگران به نظر می‌رسد:

الف) پیش از ساخت فیلم رستاخیز و در حین ساخت آن ارتباط و گفتگویی میان سازندگان فیلم با فقها وجود نداشته و تنها پس از نمایش فیلم در جشنواره ۱۳۹۲ و شروع اختلاف بر سر نمایش چهره حضرت ابوالفضل (ع) در فیلم ارتباط اندکی، با نقش میانجیگری مسئولین، میان کنشگران برقرار شد که البته همین ارتباط نیز محدود و اندک

بوده است. به طور مثال مسئولین و سازندگان فیلم برای جلب نظر مراجع مخالف فیلم تنها به سراغ برخی از مراجع رفته اند و موافقت همه آنها را نگرفتند و از جهتی ارتباط و گفتگو تنها در یک جلسه خلاصه شده است. همچنین در نتیجه شکل گیری اعتراضات و جلوگیری از اکران فیلم در تیرماه ۱۳۹۴ بدون آنکه گفتگویی صورت بگیرد اکران فیلم متوقف و اکران مجدد آن با وعده های مسئولین به امروز و فردا موکول شده است و تاکنون هم تحقق نیافته است. اما هر بار که دهه محرم از راه می رسد موضوع اکران این فیلم به میان اخبار و رسانه ها می آید.

ب) ارتباط مسئولین با فقها و سازندگان فیلم نیز به جزء در موارد محدودی انجام نشده است اما تحلیل اظهارات آنها نشان می دهد که ارتباط مسئولین با سازندگان فیلم بیشتر از ارتباط با فقها بوده است که البته، این ارتباط نشان دهنده فشار و چانه زنی مسئولین با عوامل فیلم برای حذف بخش های مورد اختلاف فیلم میان سازندگان فیلم با مراجع مخالف و منتقد است. به عبارتی، به دلیل سلسله مراتبی که در میان کنشگران وجود دارد مراجع به مسئولین فشار می آوردند و مسئولین نیز به عوامل فیلم فشار می آوردند تا اصلاحات مورد نظر مراجع را انجام دهند. این در حالی است که مسئولین به عنوان میانجی باید اصل بی طرفی و جانبداری نکردن را رعایت می کردند

سلسله مراتبی که میان کنشگران وجود دارد به این صورت است که فقها در راس نظرانی را بیان می کنند و مسئولین به عنوان میانجی این نظرات را به سازندگان فیلم انتقال می دهند. به طور مثال، فقها خواسته هایی دارند مانند حذف یا اصلاح بخش مربوط به نمایش چهره حضرت عباس (ع) که سازندگان فیلم هم در این رابطه مقاومت می کنند و دلایلی را ارائه می دهند مبنی بر اینکه باید چهره نمایش داده شود و از آنجا که قدرت فقها بر دو گروه دیگر برتری دارد کار را برای رسیدن به تفاهم دچار مشکل می کند.

ج) نحوه و قالب اظهارات کنشگران نیز نشان از نوع و کیفیت ارتباط آنها دارد و می توان گفت یکی از عواملی که رسیدن به تفاهم بر سر اکران فیلم رستاخیز" را دچار مشکل کرده همین مساله است. به گونه ای که بیشتر اظهارات فقهای مخالف اکران فیلم در قالب صدور بیانیه بوده است. همچنین اظهارات مسئولین به جز در موارد محدود که در قالب مصاحبه است، بیشتر در قالب نشست خبری و صدور بیانیه بوده است. اظهارات سازندگان فیلم نیز بیشتر در قالب مصاحبه بوده است. در واقع این قالب اظهارات گویای آن است که ارتباط کنشگران با همدیگر و اطلاع رسانی آنها به جامعه بیشتر به

واسطه رسانه‌ها بوده است به گونه‌ای که حتی بیشتر واکنش‌های سه گروه کنشگر در جواب اظهارات همدیگر از طریق رسانه‌ها بوده است. به عبارتی به جای آنکه نظراتشان را در قالب نشست‌ها و گفتگوهای متقابل و رودر رو ارائه کنند، حرف و نظرشان را از طریق رسانه بیان می‌کردند و قاعدتاً جوابشان را هم از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کردند.

د) دلیل دیگر در اثبات فقدان ارتباط و گفتگوی موثر میان کنشگران وجود کلمات و مفاهیم کلیدی و کدهای پر تکرار در اظهارات هر گروه از کنشگران است. در اظهارات فقها می‌توان به مفاهیمی، مانند حرمت شکنی، قداست زدایی، عقوبت الهی، جایز نبودن، احساسات مذهبی و... اشاره کرد. مفاهیمی که در جهت مشروع سازی به عنوان یکی از عوامل تحریف ارتباط شناخته می‌شود. همچنین کدهای پر تکراری، مانند انعطاف ناپذیری، تجویز کردن، ادعا کردن، تهدید کردن و... اشاره کرد. کدهایی که ناقض ارتباط و در نتیجه موجب عدم تفاهم شده‌اند.

در اظهارات مسئولین، از جمله مفاهیم کلیدی و پر تکرار، در ابتدا، به طور کلی، تعریف و تمجید است و مفاهیمی مانند مقلدین متدین، فتوای مراجع، سینماگران متعهد و... به کرات استفاده می‌شوند. اما، در مراحل بعد که مخالفت‌ها و انتقادات به فیلم زیاد شده، مسئولین به محافظه کاری روی آورده‌اند و از مفاهیم کلیدی مانند دل‌نگرانی‌های مراجع، احترام به نظر مراجع، شبهات و اشکالات فیلم، توپ در زمین سازندگان فیلم، و... استفاده کرده‌اند. در آخر، پس از شکایت عوامل فیلم رستاخیز از وزارت ارشاد، مواضع و اظهارات مسئولین به سمت انتقاد از فیلم، مسئولیت‌گریزی و بهانه‌جویی پیش رفت که از جمله مفاهیم کلیدی این مرحله می‌توان به ادعا بودن خواسته‌های سازندگان فیلم، امتناع از پرداخت خسارت، لجبازی عوامل فیلم، زیاده‌خواهی عوامل فیلم و غیره اشاره کرد. همچنین کدهای پر تکرار در اظهارات مسئولین شامل ارزشیابی‌های شخصی، تبیین مساله و وعده دادن‌های مکرر است.

کلمات و مفاهیم کلیدی در اظهارات سازندگان فیلم به ترتیب زمانی بیان آنها، شامل مجوز، قانون، خصوصی بودن منابع فیلم، سکوت کارگردان، استناد به فتاوی و نظر مراجع، فقدان گفتگو، انتقاد از دولت، رای دادگاه، درخواست خسارت است. همانطور که مشاهده می‌شود، ابتدا، استناد به قانون، مجوزها و تایید مراجع و در آخر با عوض شدن مساله فیلم از نمایش چهره به بحث مسائل حقوقی فیلم، مفاهیم کلیدی به سمت محکومیت و درخواست خسارت می‌رود، اتفاقی که رسیدن به تفاهم را دچار مشکل می‌کند. در

رابطه با کدهای پرتکرار در اظهارات سازندگان فیلم هم می توان به تبیین مساله، ارزشیابی های شخصی، استدلال کردن، انتقاد از ارشاد و دولت، استناد به مجوزها اشاره کرد

۲.۱۳ تحلیل اظهارات کنشگران بر اساس نظریه کنش ارتباطی

باتوجه به اینکه در این پایان نامه نظریه کنش ارتباطی هابرماس را به عنوان پارادایم خود برگزیدیم تا براساس آن چالش های پیش روی فیلم های دینی در ایران را با تاکید بر فیلم رستاخیز " مطالعه کنیم، بنابراین نیاز است تا اظهارات کنشگران براساس این نظریه تحلیل شوند.

در طرح نظریه کنش ارتباطی مشخص کردیم که از میان انواع کنش ها از نظر هابرماس، کنش ارتباطی و کنش راهبردی و از میان انواع عقلانیت ها از نظر هابرماس، عقلانیت ارتباطی و عقلانیت ابزاریدر این تحقیق انتخاب شده اند. در مدل تحلیلی هم نشان داده شد که کنش ارتباطی، نشان دهنده عقلانیت ارتباطی و کنش راهبردی، نشان دهنده عقلانیت ابزاری است. به عبارتی، از نوع کنش ها پی به نوع عقلانیت ها خواهیم برد.

هر اظهاری، حتی اگر بی طرفانه ترین و خنثی ترین اظهارات باشد و در ظاهر کاملاً ناظر به واقعیت بنماید، در ذیل یک کنش قرار می گیرد و با آن ارتباطی میان اشخاص برقرار می شود (صبوری، ۱۳۷۳).

هابرماس کنش اجتماعی را به دو کنش ارتباطی و کنش راهبردی تقسیم می کند (عبدالهیان و اجاق، ۱۳۸۵). در اکنش ارتباطی، کنشگران در تلاش برای درک متقابل یکدیگر هستند ولی در کنش راهبردی، کنشگران قصد کسب امتیاز دارند، بدون اینکه دیگران از قصد آنان مطلع باشند.

برای تحلیل اظهارات سه گروه کنشگر براساس نظریه کنش ارتباطی نیاز است که باتوجه به ویژگی های کنش ارتباطی تحلیل صورت گیرد:

۱.۲.۱۳ تحلیل اظهارات کنشگران براساس ویژگی های کنش ارتباطی

الف) یکی از ویژگی های کنش ارتباطی آن است که کنش ارتباطی در عمل به شکل گفتگو، بحث و دیالوگ ظاهر می شود، در صورتی که در میان کنشگران درگیر در سرنوشت فیلم رستاخیز " به جزء موارد محدود گفتگو یا بحثی شکل نگرفته است.

ب) یکی دیگر از ویژگی‌های کنش ارتباطی آن است که کنشگران برای رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با همدیگر ارتباط متقابل برقرار می‌کنند، در حالی که این تحقیق فقدان ارتباط متقابل و در نتیجه ایجاد همدلی و همکاری میان کنشگران را نشان می‌دهد.

ج) در این کنش منازعات اجتماعی به طور ایده آل می‌بایست بدون قهر و خشونت حل و فصل گردد و برای رسیدن به این منظور، بایستی نظامی اجتماعی تحقق یابد که در آن تصمیمات و به اجرا در آوردن آنها، از طریق استدلال صورت گیرد. این درحالیست که در حوزه فرهنگی و سینمایی، تا آنجا که به این تحقیق مربوط می‌شود، تصمیمات، نه از طریق استدلال میان کنشگران، بلکه براساس منافع ذینفعان شکل می‌گیرد. بنابراین نظام اجتماعی که بتواند منازعات را به طور ایده آل حل و فصل کند ضعیف عمل می‌کند.

د) روش استدلالی و به کارگیری صحیح زبان با افراد دیگر برای رسیدن به توافق: در این تحقیق به جزء در اظهارات سازندگان فیلم کمتر شاهد روش استدلالی میان کنشگران برای رسیدن به توافق بر سر اکران فیلم رستاخیز هستیم.

ر) کنش در راستای توافق جمعی است: در این تحقیق کنش‌ها در راستای خواست و اراده گروه خاصی جهت یافته‌اند.

ز) مناظره، گفتمان و گفتگوی فارغ از هر نوع سلطه یا آسیب‌های زبانی: یکی از موانع اصلی رسیدن به تفاهم جهت اکران فیلم را می‌توان عدم مناظره و شکل‌گیری گفتمان در رابطه با چالش بوجود آمده دانست.

ژ) مواضع کنشگران باید قانع‌کننده و استدلالی باشد: بر اساس یافته‌های تحقیق، مواضع کنشگران سه‌گانه، غالباً، قانع‌کننده و استدلالی نیست.

س) تساهل و دوری از خشونت: در مساله فیلم رستاخیز به جز در مواردی معدود، مانند اعتراض برخی مخالفین فیلم جلوی چند سالن سینما در تهران و اقدام به عمل «قمه زنی»، در کل، نشانه‌های خشونت بچشم نمی‌خورد.

ش) مسئولیت‌پذیری: به نظر می‌رسد مسئولان بیشتر سعی در مسئولیت‌گریزی و فرار از پاسخگویی داشته‌اند به این دلیل که نتوانستند مسئولیت مجوز‌هایی را که خود صادر کرده‌اند بر عهده بگیرند.

۲.۲.۱۳ تحلیل اظهارات کنشگران براساس عقلانیت ارتباطی

در نهایت، براساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس مشخص شد که اظهارات کنشگران بیشتر مبتنی بر کنش راهبردی بوده است و یکی از دلایل نرسیدن کنشگران دخیل در سرنوشت فیلم رستاخیز به تفاهم بر سر اکران این فیلم را می توان همین موضوع عنوان کرد. یعنی، تا زمانی که کنش راهبردی بر اظهارات کنشگران حاکم باشد، عقلانیت ارتباطی در اظهاراتشان وجود نخواهد داشت و مادام که عقلانیت ارتباطی وجود نداشته باشد، تعامل کنشگران به تفاهم منجر نخواهد شد. به طور خلاصه، می توان چنین نتیجه گیری کرد که ارتباط و گفتگوها میان کنشگران جزئی و غیر موثر، کنشها بیشتر از نوع کنش راهبردی، و عقلانیت حاکم بر تصمیمات کنشگران عقلانیتی ابزاری بوده است. در نتیجه، فقدان یک عقلانیت ارتباطی میان کنشگران، یعنی مدیران و سیاست گزاران سینمایی کشور، فقیهان و عالمانی که در این مناقشه ورود کرده اند، و سازندگان و دست اندرکاران پروژه سینمایی رستاخیز، موجب شده است که تعاملی معطوف به تفاهم در حل مناقشه مذکور صورت نگیرد و فیلم سینمایی رستاخیز، بعنوان بخشی از سرمایه مادی و فرهنگی سینمای کشور، تا امروز، معطل و بلا تکلیف بماند.

۱۴. پیشنهاد راه حل برای مسئله

چنانچه ملاحظه می شود، تاکید هابرماس بر «کنش ارتباطی» و ترجیح آن بر کنش ابزاری و تاکید او بر گفتگو به عنوان مبنایی برای رسیدن به توافق در عرصه اجتماعی، مبنای نظری و احتجاجات وثیقی برای توسعه هر نوع رویکرد گفتگویی و تعاملی در عرصه اجتماعی فراهم می آورد.

در این تحقیق، تحقق یک گفتگوی عقلانی و موثر میان کنشگران و تبدیل آن به گفتمانی سازنده در رابطه با چالش های پیش روی فیلم های دینی، آنگونه که از اصول و آموزه های نظریه کنش ارتباطی هابرماس بر می آید، به عنوان راه حل برون رفت از چالش پیش آمده، پیشنهاد شده است. گفتگویی که در آن عقلانیت ارتباطی حاکم باشد و کنشها از نوع کنش ارتباطی باشند. در واقع، بر اساس مدل گفتگویی که در این تحقیق ارائه شد، می گفتگوهای مستمر و نهادینه برای حل مناقشاتی از این دست سامان داد. برای عملیاتی کردن این راه حل، پیشنهاد می شود نهادی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تعامل و گفتگوی میان سه گروه مذکور یعنی؛ مدیران فرهنگی و سینمایی، فقها و

چالش‌های پیش‌روی فیلم‌های دینی در سینمای ایران: مطالعه ... ۱۵۵

عالمان دینی و دست‌اندرکاران و کارگردانان این نوع سینما، برای حل و فصل چالش‌های پیش‌روی فیلم‌هایی با مضامین دینی و مذهبی، ایجاد شود.

کتاب‌نامه

ابوصدرا (۱۳۹۰) - خلاصه کتاب؛ نظریه کنش ارتباطی هابرماس - نوشته شده در جمعه چهارم آذر ۱۳۹۰ ساعت ۱۷:۴۶ توسط ابوصدرا - سایت <http://abusadra.blogfa.com/post/28> - تاریخ بازدید ۹۷/۲/۱۰

ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا: تحلیل محتوای کیفی، دوفصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۶ از ص ۱۵ تا ۴۴

بی‌نا - تاریخ انتشار: ۱۳ بهمن ۱۳۹۵ - عنوان: سعی کردیم فیلم ضعیف وارد سودای سیمرخ نشود - <http://sorushcinema.ir> - تاریخ بازدید ۱۳۹۶/۲/۱۵

بی‌نا - تاریخ انتشار (۵/مهر/۹۵)، عنوان: می‌خواهند تصمیم‌گیری را به دولت بعد موکول کنند - <http://www.tabnak.ir/fa/news/626287> - تاریخ بازدید: ۱۳۹۶/۱/۲۴

بی‌نا - تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۵ - عنوان: «رستاخیز» احمدرضا درویش همچنان در بلاتکلیفی <http://sahebkhavar.ir/news/15132065> - تاریخ بازدید: ۱۳۹۶/۲/۱۰

بی‌نا - تاریخ انتشار ۱۸/مرداد/۹۴ - عنوان: حواشی ساخت و اکران فیلم «رستاخیز» - سایت: <http://www.mehrnews.com/news/2878544> - تاریخ بازدید: ۱۳۹۶/۳/۵

بی‌نا - تاریخ انتشار تیرماه ۱۳۹۴ - عنوان: معرفی فیلم «رستاخیز» - سایت سلام سینما - <https://www.salamcinama.ir/> - تاریخ بازدید ۱۳۹۶/۱۰/۷

پرهیزگار، غلامرضا: یورگن هابرماس: گذری بر اندیشه‌های فیلسوف معاصر اجتماعی - ماهنامه معرفت، مرداد ۱۳۸۳ - شماره ۸۰، ص ۳۶ تا ۴۴

پولادی، کمال: منظومه فکری هابرماس، ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی تیر ۱۳۸۳ - شماره ۸۱ از ص ۱۴ تا ۱۷

حاجی‌حیدری، حامد؛ عقلانیت ارتباطی به جای عقلانیت ابزاری (هابرماس در جدال با بحران معرفتی مدرن)، فصلنامه راهبرد - پاییز ۱۳۸۳، شماره ۳۳، از صفحه ۳۳۱ تا ۳۶۶

راوودراد، اعظم - کتاب جامعه‌شناسی سینما و سینمای ایران - انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۹۲

شالچیان، علی و عباسی، ملوک: بررسی برخی از احکام و مسائل فقهی فیلم و نمایش با نگاهی به جایگاه رسانه دینی "فصلنامه پژوهش‌سنجش؛ زمستان ۱۳۸۲، شماره ۳۶، از ص ۱۹۳ تا ۲۰۵

صبوری، ابراهیم؛ هابرماس و گفتگوی آزاد - دوفصلنامه؛ نامه فرهنگ، شماره ۱۴ و ۱۵ تابستان و پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۳۲ تا ۱۳۶

علیخواه، فردین - کنش ارتباطی؛ بنیاد خودشکوفایی حوزه عمومی (اندیشه های یورگن هابرماس) -
دوماهنامه؛ اطلاعات سیاسی-اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، شماره ۱۳۹ و ۱۴۰،
ص ۱۱۴ تا ۱۲۵

محمدی، آزاد و باقری نوع پرست، خسرو و زیباکلام، فاطمه؛ اصول و روش های تربیت اجتماعی
مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس - پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت: پاییز و زمستان ۱۳۹۳،
سال چهارم - شماره ۸

مهدی زاده، سید محمد: عقل ارتباطی در اندیشه های هابرماس - فصلنامه؛ رسانه، بهار ۱۳۷۵، شماره ۲۵،
ص ۵۲ تا ۵۸

مهدوی، محمدصادق و مبارکی، محمد؛ تحلیل نظریه کنش ارتباطی هابرماس، فصلنامه علمی و پژوهشی
علوم اجتماعی، ۱۳۸۵، شماره ۸، ص ۲.

موسوی، سید رضا: عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس وبر و هابرماس، دوماهنامه اطلاعات
سیاسی - اقتصادی؛ مرداد و شهریور ۱۳۷۷، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲، از صفحه ۱۱۲ تا ۱۱۷

هابرماس، یورگن ۱۹۸۱ - ترجمه؛ کمال پولادی، ۱۳۸۴، ص ۵۳

هابرماس، یورگن؛ نظریه کنش ارتباطی، کمال پولادی، تهران، روزنامه ایران، ۱۳۸۴، چاپ اول،
ج ۱، ص ۳۸۹

یورگن هابرماس، محمدی، جمال، تهران، گام نو، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۳۵.